

# بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها

علیرضا صنعت خواه \*

چکیده:

بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها، یکی از مهمترین مسائل کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از آنجا که در هر جامعه هزینه‌های سنگینی را برای آموزش افراد به منظور دست یابی آنها به شغل و همچنین پاسخگویی به نیازهای بازار کار پرداخت می‌شود، بیکاری فارغ التحصیلان اثرات زیانباری بر جامعه بر جای خواهد گذاشت. بیکاری فارغ التحصیلان به هدر رفتن سرمایه عظیم انسانی کشور است و از آنجا که اکنون رقابت اقتصادی، بیش از پیش به نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص وابسته است، با این اوصاف بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها، به معنی از دست رفتن سرمایه‌های مادی، علمی و فرهنگی است که باید به عنوان یک مسأله اجتماعی، مورد تحقیق قرار گیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که تأثیر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی و همچنین تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی تولید در کشور را بر میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها مطالعه و بررسی نماییم.

بدین منظور، به تدوین چارچوب نظری پرداخته‌ایم که خود برگرفته از نظرات متعدد در زمینه مباحث توسعه و اشتغال بوده است. این چارچوب که خود تحت تأثیر نظریه عملگرایانه جان دیویی در آموزش و پرورش شکل گرفته است، سعی دارد بدون هرگونه پیشداوری و دخالت ارزش‌های مقبول دینی و... محقق، به سنجش حقایق عینی جامعه بپردازد. در مطالعات اسنادی تحقیق سعی شده است از آخرین آمارهای موجود در مرکز آمار ایران و همچنین موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی استفاده گردد. در پایان، سعی شده است با توجه به نتایج حاصله تحقیق، راهکارهای راهبردی و کاربردی در جهت اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها ارائه شود.

**واژگان کلیدی:** فارغ التحصیلان، نیازسنجی بازار کار، ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها، شرایط اقتصادی - اجتماعی تولید، ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی، میزان بهره‌وری

## مقدمه:

در این مقاله تلاش می‌شود بر اساس یافته‌های اسنادی، مهمترین عوامل اقتصادی - اجتماعی که بر افزایش میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌های کشور مؤثرند شناسایی شوند و در جهت کاهش میزان بیکاری ایشان راهکارهای راهبردی - کاربردی ارائه شود.

در بخش اول مقاله، تأثیر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی بر نظام آموزشی کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پس از آن تغییرات ساختار اقتصادی مؤثر بر میزان بیکاری فارغ التحصیلان کشور و در پایان رابطه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای آتی بازار کار مورد بحث قرار گرفته است.

## بیان مسأله اصلی تحقیق:

اشتغال و بیکاری نیروی انسانی، یکی از مهمترین مسائل جوامع انسانی معاصر است که در کشور ما، با توجه به عدم توازن ساختارهای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، سیاسی، نقش و سهم قابل توجهی را در میزان استمرار فرایند توسعه بر عهده دارد. بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور که مهمترین بخش سرمایه انسانی به شمار می‌آید، طبعاً دارای آثار و پیامدهای پیچیده‌تر و زیانبارتری در حیات اجتماعی کشور است. نخست، به دلیل آنکه سهم قابل توجهی از منابع انسانی و مادی محدود کشور، صرف تربیت این گروه می‌شوند و دوم اینکه، طی دهه‌های اخیر، به نحو فزاینده، سطح پیشرفت و توسعه کشور، تحت تأثیر نحوه استفاده از سرمایه انسانی قرار گرفته است و دانش‌آموختگان آموزش عالی، مظهر و نمونه‌های اعلای سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند.

به نظر می‌رسد دولت به عنوان متولی اصلی سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی، به رغم انجام سرمایه‌گذاری‌های روز افزون، نتوانسته است از سرمایه انسانی تشکیل شده، به عنوان یک عامل مکمل در کنار سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی، موجبات ارتقاء بهره‌وری و کارایی بخش‌های مختلف کشور را فراهم نماید. از سوی دیگر، با توجه به خروج و یا بیکار ماندن عده کثیری از فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در سالیان اخیر، کشور در آستانه فاجعه اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته است.

کشور ما، برای اشتغال جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، نیازمند فناوری مدرن و تولید است. در راستای چنین نیازی، از ابتدای انقلاب تا کنون، تلاش‌های مستمری در کشور صورت پذیرفته است تا بدان وسیله، فناوری نوین و مدرن را درون‌زا کنیم.

در دستیابی به چنین هدفی، مهمترین مسئله‌ای که کشور ما با آن مواجه بوده، کمبود نیروی متخصص، در جهت رفع نیازهای مختلف کشور بوده است.

از طرف دیگر، از آنجا که جمعیت ایران، جمعیتی جوان می‌باشد و این نیرو می‌بایست با برنامه‌ریزی‌های صحیح، در جهت رسیدن کشور به توسعه پایدار، رهبری و مدیریت شوند از این حیث، مسائل و مشکلات عدیده‌ای به وجود آمده است.

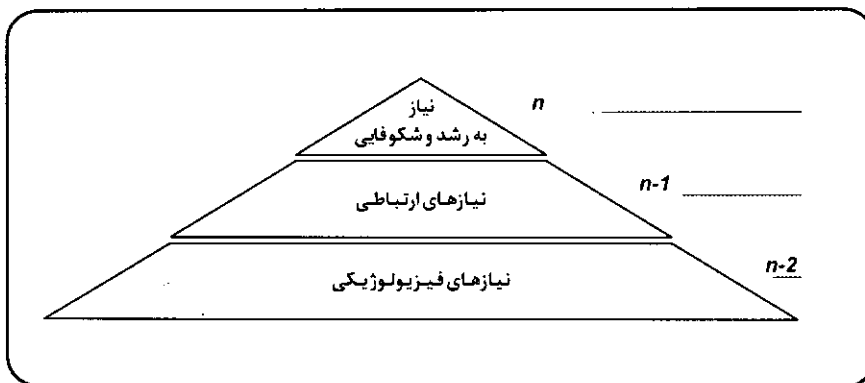
این تحقیق بر آن است تا نشان دهد، چه رابطه‌ای میان ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای آتی بازار کار وجود دارد؟ در این اثنا سعی شده است تا مهمترین عواملی را که در ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی اجتماعی کشور و همچنین ساختار و کارکرد اقتصادی - اجتماعی تولید در کشور بر افزایش میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها مؤثرند شناسایی و تجزیه و تحلیل شوند.

## رویکرد:

حیطه مطالعاتی تحقیق شامل دو زمینه است. یکی زمینه اشتغال و دیگری آموزش و پرورش. بر اساس نظریات هرزبرگ و مازلو و همچنین مارکس در زمینه اشتغال و نظریات جان دیویی، آلتوسرو گرامشی در زمینه آموزش و پرورش، چارچوب نظری تدوین شده است. در این چارچوب از پارادایم دکتر سیف‌اللهی و مرحوم دکتر عظیمی در جهت تحلیل موضوع تحقیق کمک گرفته شده است.

چارچوب نظری تحقیق بیان می‌دارد که انسان موجودی زیستمند و نیازمند می‌باشد که دارای نیازهای متعددی است. چرا که همانند حیوانات نیاز به خوراک و پوشاک و هزاران نیاز فیزیولوژیکی دارد. مجموعه نیازهای فیزیولوژیکی انسان، اولین سطح نیازهای انسانی را در نظریه هرزبرگ و مازلو به خود اختصاص داده است. سطوح نیازهای انسانی به زعم هرزبرگ و مازلو به سه سطح قابل تقلیل است. (نمودار ۱)

نمودار ۱: طراحی سطوح مختلف نیازهای انسانی، براساس نظریه هرزبرگ و مازلو



منبع: غلام عباس توسلی، جامعه‌شناسی کار و شغل، صفحه ۱۳۸

بر حسب این نظریه، نیازهای یک سطح (مثلاً  $n$ ) زمانی شدت پیدا می‌کند که نیازهای سطح ما قبل (سطح  $n-1$ )، ارضا شده باشد. هرزبرگ معتقد است که واحدهای صنعتی، در صورتی موفق می‌شوند افراد را به خوبی به خود جذب و نیازهای آنان را ارضا کنند که بتوانند، اولاً، کاری به آنها عرضه کنند که رضایت آنها را جلب کند؛ ثانیاً، کار را با توجه به چگونگی ارضای نیازهای سطح سوم در نظر بگیرند.<sup>۱</sup> انسان به منظور رفع نیازهای اساسی خویش، مجبور به کار و قبول اشتغال برای خویش می‌باشد. از دیدگاه کارل مارکس، فرایند کار انسان به گونه‌ای است که:

۱- انسان، موجودی خلاق است که اصل انسانیت و افتراق خود را با دیگر موجودات عالم، به وسیله کارکردن، نشان می‌دهد.

۲- انسان با استفاده از فنون، در طبیعت، تغییراتی را به وجود می‌آورد و طبیعت نیز، بر او اثر می‌گذارد و انسان را تغییر می‌دهد.

۳- انسان در همان حال که بر طبیعت خارجی اثر می‌گذارد و آنرا تغییر می‌دهد، طبیعت خاص خویش را نیز، تغییر می‌دهد و استعدادهای نهفته‌اش را شکوفا می‌سازد.

۴- این کنش و واکنش بین انسان و محیط، کم و بیش عامل محرکی است که تعیین کننده دگرگونی در ساختارهای اجتماعی است.

نظام سرمایه‌داری، با روابط اجتماعی خاص سرمایه‌داری، باعث از خود بیگانه شدن انسان و کارگران، از روند کار شده‌اند. چرا که خلاقیت خود را در فرایند کار، از دست داده‌اند.

اما روند و ساختار اشتغال در هر جامعه، تحت تأثیر توسعه اقتصادی- اجتماعی، در آن جامعه، متحول می‌گردد.

به طور کلی دو امر در توسعه کشورها بسیار حائز اهمیت است:

الف) چگونگی روابط اجتماعی درون جوامع،

ب) چگونگی روابط بین جوامع انسانی و به‌ویژه، روابط بین جوامع پیرامونی- کانونی.

جامعه ایرانی همانند هر جامعه انسانی، از ترکیب پنج عنصر بنیادین و ساختاری، شکل گرفته و توسعه یافته است. (سیف‌الله سیف‌اللهی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ص ۲۲-۲۷)

### ساختار و کارکرد نظام آموزشی

شامل سه مولفه (محتوی دروس دانشگاهی، کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها و ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها) می‌باشد. از دیدگاه جان دیویی، دو نوع شیوه آموزشی در نظام آموزشی قابل تفکیک است:

یکی شیوه سنتی آموزش و دیگری شیوه نوین آموزشی (مبتنی بر تجربه‌گرایی).

شیوه قدیم آموزش که هنوز هم در کشورهای پیرامون از جمله کشور ما رواج دارد، دارای نقاط ضعفی است که می‌توان آنرا بدین شکل طبقه‌بندی نمود:

ساختار و کارکرد اقتصادی: همبستگی بالایی در حدود ۸۹٪، بین شاخص ترکیبی توسعه منابع انسانی، (سطوح مختلف تحصیلات) و تولید ناخالص داخلی سرانه را می‌توان ارائه نمود. آبه همین علت، می‌توان گفت که ارتباط آموزش عالی و توسعه اقتصادی، در حقیقت یک ارتباط مکانیکی که قبلاً برخی جامعه‌شناسان در یافته بودند، نیست. چراکه، اگرچه نقش آموزش عالی در رشد اقتصادی با اهمیت است، ولی شرایط لازم و کافی برای رشد، محسوب نمی‌شود. بی‌تردید ارتقاء سطح علمی و فنی، از عوامل اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود، ولی استمرار رشد، متکی به وجود عوامل دیگری، از جمله انباشت سرمایه، و وجود نوآوری علمی و کارآفرینان اقتصادی و... می‌باشد.<sup>۴</sup>

#### مدارهای توسعه نیافتگی:

با توجه به تحقیقات انجام گرفته در اقتصاد ایران، می‌توان گفت که اقتصاد ایران، دچار سه مشکل اساسی است (مدارهای توسعه نیافتگی):

##### مدار اول: رکود شدید تولید و کاهش تولید سرانه

- ◆ تشدید عقب ماندگی بافت فنی تولید،
- ◆ نزول سهم نسبی تشکیل سرمایه،
- ◆ فقر گسترده،
- ◆ بیکاری وسیع.

##### مدار دوم: ساختار نامتناسب تولید:

- ◆ گسترش بیش از حد بخش خدمات،
- ◆ وابستگی تولید به دنیای خارج،
- ◆ وابستگی مصرف به دنیای خارج،
- ◆ دوگانگی شدید ساختار اقتصادی،
- ◆ محدود شدن ظرفیت سرمایه گذاری،
- ◆ ایجاد شکاف‌های عمیق فرهنگی - اجتماعی.

##### مدار سوم: رشد نقدینگی و تورم:

- ◆ افزایش هزینه زندگی،
- ◆ افزایش هزینه‌های تولید،
- ◆ دور شدن نقدینگی از سرمایه گذاری،
- ◆ ساختار نامناسب و ناسالم تولید،
- ◆ توزیع نامتعادل درآمد،
- ◆ رکود تولید.

ساختار و کارکرد موقعیت جغرافیایی: مربوط به منابع مادی از قبیل نفت، گاز و... می‌باشد که نیازمند مدیریت صحیح علمی است که از طریق عینی و تجربی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. برای فهم بیشتر چارچوب نظری، نمودار ۲، طراحی شده است.

۱. شیوه سنتی، شیوه‌ای از تحمیلی، از بالا و از بیرون بوده است. شیوه‌ای که موضوع درسی و روش‌های بالغین را بر آنهایی تحمیل می‌کند که صرفاً به آهستگی، به سوی بلوغ در حال نمودند.

۲. روش‌های یادگیری و سیستم آموزش و پرورش، چون بر پایه تجربه کارکردی دانشجویان قرار ندارد و تحت تأثیر حقیقت غایی شکل گرفته، ورای تجربه عینی زندگی قرار می‌گیرد، بنابراین، به دانشجویان تحمیل می‌گردند.

۳. فاصله بین فرآورده‌های ذهنی بالغین یا بزرگسالان (که نظام آموزشی سنتی را تحمیل می‌کنند) و تجربه و توانایی‌های جوانان، آنقدر زیاد است که خود آن موقعیت، از مشارکت بسیار فعال توسط شاگردان، در توسعه آنچه تدریس می‌شود، ممانعت می‌کند.

۴. یادگیری در اینجا، به معنای کسب آن چیزی است که از قبل که تدریس می‌شود به شکل ماهیتاً ایستا، در نظر گرفته می‌شود. (جان دیویی، تجربه و آموزش، ص ۳۰-۱)

ماهیت آموزش و پرورش جدید، باید بر اساس نیازمندی‌های جامعه انسانی، به شکل عملگرایانه ترسیم شود به گونه‌ای که:

- در برابر تحمیل از بالا، بروز و پرورش فردیت، قرار می‌گیرد.
- در برابر یادگیری از کتاب‌های درسی و معلمین، یادگیری از طریق تجربه، در برابر کسب مهارت‌ها و تکنیک‌های مجرد از طریق تمرین، کسب مهارت‌ها و تکنیک‌ها به عنوان ابزار دستیابی به نتایجی قرار می‌گیرد که کاربرد اساسی مستقیم دارند.
- در برابر آمادگی برای یک آینده کم و بیش دور، استفاده از بیشترین فرصت‌های زندگی حاضر قرار می‌گیرد.
- در برابر اهداف و مواد ایستا، آشنایی با یک دنیای متحول و در حال تغییر قرار می‌گیرد.

هدف اصلی آموزش و پرورش، آماده ساختن جوانان، برای مسئولیت‌های آتی و برای موفقیت در زندگی، از طریق کسب مجموعه سازمان یافته‌ای از اطلاعات و اشکال آماده مهارت است، که برای ایشان، کاربرد عملی داشته باشد (جان دیویی، تجربه و آموزش، ص ۱۲)

کارکرد و ساختار جمعیتی: شامل چهار مولفه (جوئی جمعیت، تقاضای آموزش عالی، تقاضای کار و اشتغال، نسبت جنسی جمعیت) می‌باشد. باید با مدیریت صحیح و علمی منابع انسانی (استفاده صحیح از پتانسیل موجود در نیروی انسانی جامعه) و توجه به رفع نیازهای انسانی، در جهت رشد و شکوفایی استعدادها و نهفته در انسان توأم گردد و به ارزیابی عملی و عینی مدیریت منابع انسانی و مادی جامعه پرداخته شود.

ساختار و کارکرد مدیریتی: باید به گونه‌ای عینی، آن را مورد ارزیابی قرارداد و کارایی دولت را از طریق تجربی، سنجید. آنچه دولت‌ها در عمل انجام می‌دهند، ملاک سنجش آنهاست.<sup>۱</sup>

مدیریت جامعه، انحصار بر آموزش و پرورش دارد و از طریق آن، تفکر غالب طبقه حاکم، به جامعه تجویز می‌شود. معتقدیم که این تفکر، باید بر اساس ارزیابی علمی و عملی طرح‌های دولت، در جهت رسیدن به توسعه موزون و پایدار مورد بازبینی قرار گیرد. چرا که، نواقص احتمالی مدیریت در جامعه، از طریق رابطه آموزش مهارت‌های زندگی به دانشجویان و اشتغال آنان، نمودار می‌شود و تنها، از طریق عینی و تجربی می‌توان آن نقایص را دید و از طریق انتقادی، به رفع آن، همت گماشت.<sup>۲</sup>

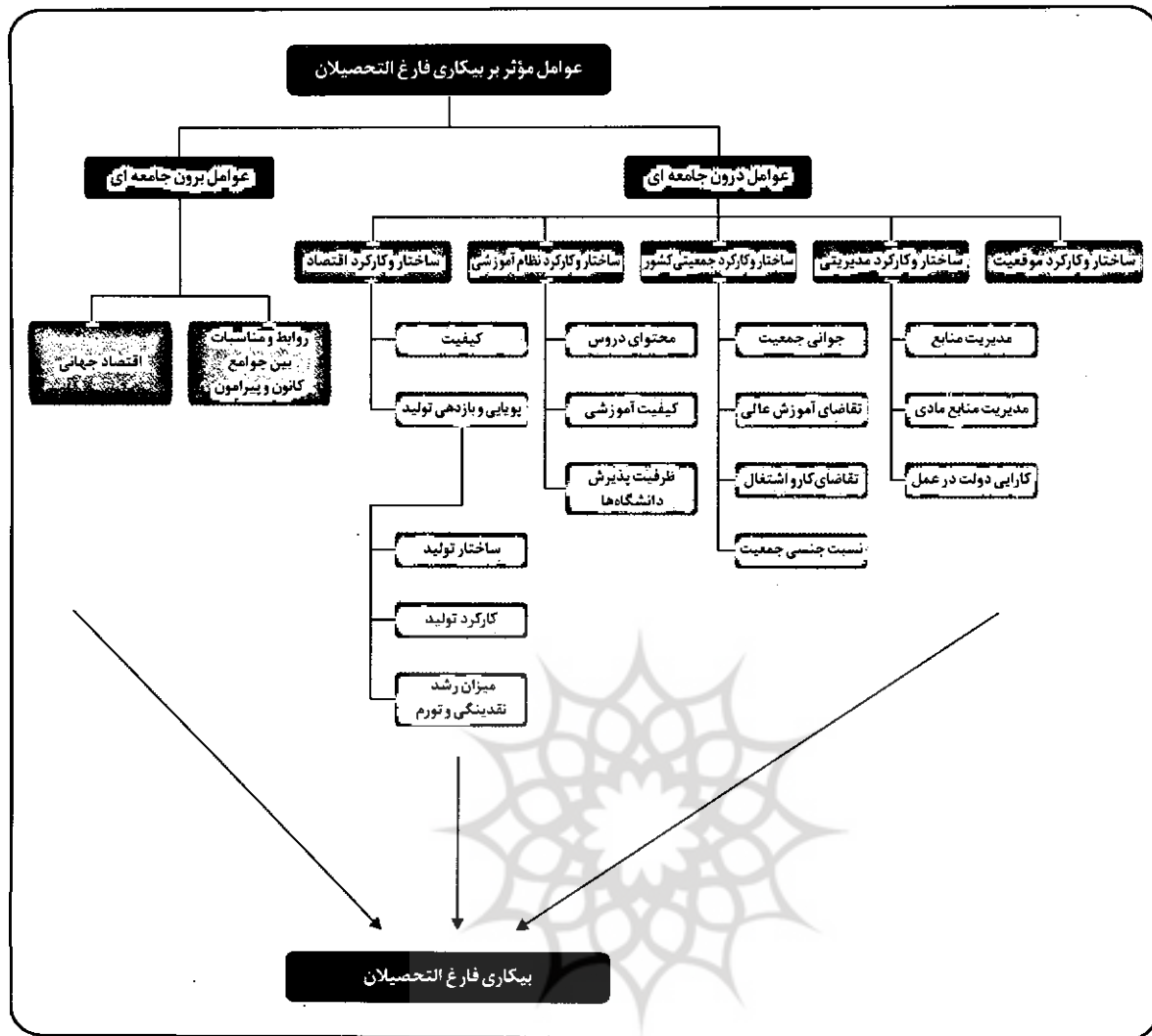
۱- نظریه جان دیویی

۲- نظریه دینیسون

۳- نظریه کارل مارکس

۴- سودابه تصاعدیان، ص ۲۴

۵- حسین عظیمی



### روش پژوهش:

این تحقیق با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین با استفاده از روش‌های ترکیبی پیمایشی و میدانی، انجام شده است که در روش پیمایشی و میدانی، از نمونه‌ای برابر با ۴۰۰ نفر از میان فارغ التحصیلان مقیم شیراز، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک انجام یافته است. با توجه به گستردگی تحقیق، در این مقاله به ارائه دستاوردها و یافته‌های مطالعه اسنادی تحقیق کوشش شده است.

با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در مرکز آمار ایران و همچنین موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، اطلاعات مفیدی به دست آمده است که به شرح آن می‌پردازیم:

### تأثیر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی بر نظام آموزشی کشور

انسان، به‌میزانی که سطح آگاهی خویش را از خود و محیط، افزایش می‌دهد، انتظار دارد که بهره‌یایی او از امکانات بالقوه و بالفعل طبیعت و جامعه، آسانتر و بدون ستیز و تنش باشد. ولی، این روند و فرایند در جوامع انسانی، نه تنها به‌طور هوشمندانه در شان و فطرت انسان، تحقق نمی‌یابد، بلکه با نارسایی‌ها و کاستی‌هایی همراه است.<sup>۱</sup>

این کاستی‌ها و نارسایی‌ها، از یکسو، زمینه‌ساز مسائل مختلف اجتماعی شده و از سوی دیگر، موجب پیدایش اظهار نظرها و تبیین‌های گوناگون و گاهی بسیار غیر واقعی شده است.

کشور ما با ورود به دنیای مدرن، در مسیر توسعه پیرامونی<sup>۲</sup> گام برداشته است. توسعه پیرامونی نوعی از توسعه است که در برخی از جوامع، پدید می‌آید و موجب وابستگی ساختاری جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌شود. جامعه اولی را جامعه پیرامونی و جامعه دوم را جامعه کانون<sup>۳</sup> گویند. به عبارت دیگر، توسعه پیرامونی، توسعه‌ای است که در اثر ضرورت‌ها، خواسته‌ها و نیازهای عامل خارجی و سایر عوامل کاذب پدید می‌آید.<sup>۱</sup>

2- Peripheral development  
3- Peripheral societies

۱- سیف‌الله سیف‌الهی؛ ماهیت و کارکرد توسعه در جوامع انسانی  
۴- همان منبع

شیوه مکتبی در آموزش و پرورش، که مبتنی بر اقتدار استاد یا معلم و عدم مشارکت دانشجو در تدریس و فرآورده‌های آموزشی بود، پایان یافته است و بر اساس نیازهای جدید اجتماعی، کاربرد روش‌هایی دیگر، نیاز است

### تغییرات ساختار اقتصادی کشور و تأثیر آن بر اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها

همانگونه که می‌دانیم، بررسی چگونگی تغییرات کمی و کیفی اشتغال در کشور، در ارتباط تنگاتنگ با تغییرات ساختارهای اقتصادی و اشتغال بر یکدیگر، به یک اندازه نمی‌باشد. بدیهی است، ساختار اشتغال، بیش از آنکه بر ساختار اقتصادی اثر بگذارد، متأثر از آن است. رابطه بین جمعیت و تولید از یک طرف و تولید و الگوی توزیع تولید از طرف دیگر، می‌تواند رابطه موزون یا ناموزون در جوامع انسانی را هویدا سازد: رابطه‌ای که خود، بر روی نظام آموزشی در جامعه نیز، تأثیر گذار خواهد بود.<sup>۱</sup>

جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که: مبانی علمی- فنی تولید اقتصادی جامعه را از وضعیت سنتی، به وضعیت مدرن، دگرگون ساخته باشد.

به سخن دیگر، زمانی جامعه از نظر اقتصادی، توسعه می‌یابد که مبانی علمی- فنی تولید خود یعنی دانش علمی، دانش فنی، وسایل و ابزار کار و مهارت‌های خود را از وضعیت قبل از انقلاب صنعتی، به وضعیت پس از انقلاب صنعتی متحول سازد.<sup>۲</sup>

کشور ما، در جهت رسیدن به توسعه پایدار، با مسائل و مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان گشته است که روند و کارکرد نظام آموزشی کشور را نیز، تحت تأثیر خود قرار داده است.

اولین مشکل عدیده کشور را می‌توان، در عدم تحرک و پویایی در تولید کل و سرانه دید. مطالعه ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی کشور از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۲ (جدول ۱)، نشان می‌دهد که ارزش افزوده کل فعالیت‌های اقتصادی کشور از ۹/۲۷ درصد در سال ۱۳۴۵، با افزایشی معادل ۱۱/۹۲ درصد، به میزان ۲۱/۱۹ درصد در سال ۱۳۵۰ می‌رسد. اما، پس از آن، هر ساله با کاهش ارزش افزوده، مواجه می‌شویم تا جایی که ملاحظه می‌کنیم، این رقم، در سال ۱۳۶۵، به رقمی معادل ۹/۱۴ درصد می‌رسد. با وجود تمام طرح‌های توسعه بعد از انقلاب، در سال ۱۳۸۲ کل ارزش افزوده کشور معادل ۷/۷۳ درصد است. تحولات صنعت در کشور در سال ۱۳۵۵ به بالاترین مقدار خود، ۵۶/۳۶ درصد، رسیده است که پس از آن، در سال ۱۳۸۲، کل ارزش افزوده کشور در بخش صنعت، از حدود ۱۵/۲۱ درصد، تجاوز نمی‌کند.

مسیر توسعه کشور، از نوع توسعه برون زا، وابسته، ناموزون و ناپایدار بوده است، هر چند که همیشه در تلاش بوده ایم که به توسعه خود جوش و درون زا و موزون دست یابیم.

جوامع انسانی، از جمله جامعه ما، در دستیابی به توسعه مورد نیاز خود، دارای روند، فرایند، ماهیت، ساختار، کارکرد و عملکرد متفاوتی هستند. علت این امر را باید در ساختار و کارکرد ارکان نظام اجتماعی جامعه، که شامل (عناصر جغرافیایی- اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، سیاسی) است، دانست و پیامدهای آن را در شکل‌گیری روابط اجتماعی نامتعادل و ناعادلانه در درون جوامع انسانی یافت و در شکل‌گیری روابط و ارتباطات نامتعادل و ناعادلانه بین جوامع انسانی، مشاهده کرد.

اما عاملان اصلی توسعه، یکی، انسان آگاه است و دیگری، دانش فنی و فناوری. در جهت رسیدن جامعه به تربیت انسان آگاه و دستیابی به فناوری پیشرفته، باید به ارزیابی طرح‌های توسعه کشور، در عمل پرداخت. از این حیث، باید مدیریت کشور را بر اساس عملکردش، توصیف و تحلیل نمود.

اما روند و کارکرد نظام آموزشی در کشور نیز، برگرفته از شرایط و کارکرد و ماهیت توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور خواهد بود.

به طور خلاصه، سه کارکرد، برای نظام آموزشی جامعه و نظام آموزش عالی، به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم، می‌توان برشمرد: تأمین نیازهای آموزشی و تخصصی افراد و جامعه. نظام مند ساختن روابط، رفتارها و در نتیجه، جامعه پذیر کردن افراد جامعه. و حفاظت و حراست از دستاوردهای افراد جامعه و انتقال آنها به نسل‌های بعدی و در نتیجه، یاری رساندن به بقا و دوام جامعه.<sup>۱</sup>

اما آموزش عالی در ایران، با ساختار و عملکرد ناموزون خود، قادر به پاسخگویی و برآورد اهداف و کارکرد مطلوب نبوده است. چرا که، کارکرد هر نهاد اجتماعی، باید بر پایه نیازها و ضرورت‌های افراد جامعه باشد و همراه با تغییرات و تحول در نیازها و ضرورت‌های جامعه، دگرگون شود.

شیوه مکتبی در آموزش و پرورش، که مبتنی بر اقتدار استاد یا معلم و عدم مشارکت دانشجو در تدریس و فرآورده‌های آموزشی بود، پایان یافته است و بر اساس نیازهای جدید اجتماعی، کاربرد روش‌هایی دیگر، نیاز است. اما، آموزش در ایران همچنان روند گذشته را دنبال می‌کند و نیازهای جدید را در دانشجویان، سرکوب می‌سازد. به این ترتیب، زمینه‌های بهینه، برای افزایش بهره‌وری و کارایی و در نهایت، گسترش عدالت اجتماعی، فراهم نمی‌شود.

اگر ساختار و کارکرد نهادها و سازمان‌ها، با ساختار و کارکرد جامعه، همسو نباشد، آن وقت، جامعه دچار یک سلسله کاستی‌ها، تعارض‌ها، تنش‌ها، مسایل و بحران‌هایی می‌شود که در نتیجه، زمینه برای پیدایش و گسترش کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جامعه، فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، نشانه‌های افت کارایی و بهره‌وری و ناراضی‌های افراد از نهادها و سازمان‌های اجتماعی و در نهایت، از کل جامعه، پدیدار می‌شود.<sup>۲</sup>

شرایط اقتصادی کشور، شیوه مدیریت، منابع و امکانات موجود، تحولات جمعیتی، ارزش‌ها و باورداشت‌های جامعه، همگی، بر ناموزونی نظام آموزشی کشور و نهاد آموزش عالی و همچنین، مدیریت و بهره‌وری نیروی انسانی کشور، تأثیر گذار بوده است. مهمترین تأثیرات عناصر فوق را می‌توان به طور خلاصه، اینچنین ارزیابی کرد:

۱- سیف الله سیف الهی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۱

۲- همان

۳- حسین عظیمی، ص ۱۰۸

۴- حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، ص ۱۰۰-۱۲۰



جدول ۱: ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی کشور از سال ۱۳۸۲-۱۳۴۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۵۸	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۲
گروه کشاورزی <sup>۱</sup>	۶/۶۱	۲۱/۱۳	۴۱/۱۸	۱۴/۰۹	۴۷/۰۱	۷/۱۸	۴/۲۴
معادن	۲۵/۰۷	۷۵/۹۲	۲۷/۳۰	۳/۵۸	-۶۴/۷۷	-۰/۷۲	۱۵/۰۱
صنعت	۱۲/۰۵	۲۰/۰۸	۵۶/۳۶	-۲/۹۹	۳/۵۴	۱۶/۹۸	۱۵/۳۱
کل ارزش افزوده	۹/۲۷	۲۱/۱۹	۱۷/۱۵	-۵/۱۸	-۹/۱۴	۷/۱۸	۷/۷۳
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	۹/۵۶	۲۱/۹۰	۱۶/۱۶	-۶/۳۸	-۹/۵۸	۷/۸۸	۸/۰۳

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۲-۱۳۴۵

جدول ۲: جمعیت و متوسط رشد سالانه ۱۳۸۲-۱۳۴۵

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه (درصد)
آبان ۱۳۴۵	۲۵٬۷۸۸٬۷۲۲	۳/۱
آبان ۱۳۵۵	۳۳٬۷۰۸٬۷۴۴	۲/۷
مهر ۱۳۶۵	۴۹٬۴۴۵٬۰۱۰	۳/۹
مهر ۱۳۷۰	۵۵٬۸۳۷٬۱۶۳	۲/۵
آبان ۱۳۷۵	۶۰٬۰۵۵٬۴۸۸	۱/۵
آبان ۱۳۸۵	۷۰٬۴۹۵٬۷۸۲	۱/۶

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

اما، در کنار وضعیت بفرنج اقتصادی، با پدیده دیگری به نام افزایش جمعیت نیز، مواجه هستیم. روند افزایش جمعیت، همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، به این ترتیب است که جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵، با متوسط رشد سالانه ۳/۹ درصد، از رقم ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵، به حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵، رسیده است. این افزایش جمعیت، در حالی است که کشور در بچو حه جنگ تحمیلی، با ارزش افزوده منفی و محصول ناخالص ملی ۹/۵۸- روبروست. با وجود تمامی طرح‌های جمعیتی در کشور در سال ۱۳۸۵، با نرخ متوسط رشد سالانه ۱/۶ درصد و جمعیتی معادل ۷۰ میلیون نفر، مواجه هستیم. عوامل ذکر شده، باعث کاهش نسبی سرمایه کشور شده است. این کاهش، اثرات خود را در درجه اول، بر روی بافت فنی تولید (عقب ماندگی بافت فنی تولید و درون‌زا نشدن فناوری در کشور) و در درجه دوم، بر روی فعالیت اقتصادی افراد جامعه و افزایش نرخ بیکاری در جامعه، گذاشته است. همان‌طور که از جدول (۳ و ۴) مشخص است: میزان فعالیت اقتصادی، از ۴۵/۹ درصد سال ۱۳۴۵، به ۲۸/۶ درصد در سال ۱۳۸۳، کاهش یافته است. میزان فعالیت اقتصادی زنان (آنچنان‌که در جدول نمودار است)، بسیار کمتر از مردان می‌باشد که خود، حاکی از عدم تناسب اشتغال میان مردان و زنان است. توزیع نسبی شاغلان کل کشور، حاکی از آن است که کل شاغلان، از رقمی معادل ۹۰/۲ درصد در سال ۱۳۴۵، به ۷۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳، کاهش یافته‌اند که رقم کاهش اشتغال زنان در مقایسه با مردان، بیشتر می‌باشد. اما کاهش اشتغال در جامعه، حاکی از حجم زیاد بیکاران در جامعه خواهد بود (با توجه به نرخ رشد جمعیت کشور) و از عواقب بیکاری، باید به گسترش فقر در جامعه و پایین آمدن شاخص‌های سلامتی، رفاه عمومی در کشور و همچنین پایین آمدن سطح رضایت مردم از برنامه ریزان نام برد.

۱- شامل کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری است.

۲- حاصل تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی است.

جدول ۳: میزان فعالیت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی

سال	کل کشور			شهری			روستایی		
	مرد	زن	مرد وزن	مرد	زن	مرد وزن	مرد	زن	مرد وزن
۱۳۴۵	۷۷/۰	۱۲/۵	۴۵/۹	۶۹/۲	۹/۹	۴۹/۲	۸۲/۴	۱۲/۲	۴۹/۲
۱۳۵۵	۷۰/۸	۱۲/۹	۴۲/۶	۶۲/۹	۹/۰	۴۷/۲	۷۷/۹	۱۶/۶	۴۷/۲
۱۳۶۵	۶۸/۴	۸/۲	۳۹/۰	۶۶/۸	۸/۴	۳۹/۷	۷۰/۳	۷/۹	۳۹/۷
۱۳۷۵	۶۰/۸	۹/۱	۳۵/۳	۵۸/۵	۸/۱	۳۷/۶	۶۴/۵	۱۰/۷	۳۷/۶
۱۳۷۶	۵۹/۲	۹/۹	۳۴/۷	۵۷/۷	۸/۶	۳۶/۴	۶۱/۵	۱۱/۸	۳۶/۴
۱۳۸۳	۶۴/۹	۱۱/۴	۳۸/۶	۶۲/۲	۹/۵	۴۱/۶	۶۸/۳	۱۴/۹	۴۱/۶

منبع: مرکز آمار ایران، وضعیت اشتغال و بیکاری خانوار ۱۳۸۳-۱۳۴۵

جدول ۴: توزیع نسبی شاغلان زن و مرد سال ۱۳۸۳-۱۳۴۵

شاغلان	کل	مرد	زن
۱۳۴۵	۹۰/۲	۸۹/۷	۹۳/۶
۱۳۵۵	۸۰/۹۰	۸۱/۱	۷۹/۵
۱۳۶۵	۶۷/۲	۶۸/۴	۵۵/۱
۱۳۷۵	۶۹/۴	۷۱/۰	۵۸/۱
۱۳۷۶	۷۳/۲	۷۴/۲	۶۷/۱
۱۳۸۳	۷۷/۱	۷۷/۹	۷۱/۸

منبع: مرکز آمار ایران، وضعیت اشتغال و بیکاری خانوار ۱۳۸۳-۱۳۴۵

از مسائل عمده دیگری که کشور با آن مواجه است، می توان از عدم ساختار مناسب تولید نام برد. این عامل، باعث به وجود آمدن مسائلی از جمله گسترش نامتناسب بخش خدمات، دوگانگی شدید ساختار اقتصادی، افزایش تورم در جامعه و... شده است.

جدول ۵، سهم اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی و جدول ۶، تغییرات سالانه میزان بهره‌وری را در بخش های عمده اقتصادی، نشان می دهد.

بر اساس این جداول، توزیع نسبی شاغلان در سه بخش مهم اقتصادی، در فاصله سال های ۱۳۸۶-۱۳۵۵، تغییر نموده است. نسبت شاغلان بخش کشاورزی در این سال ها، همواره کاهش داشته است. به نحوی که از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۶، کاهش یافته است. برخلاف بخش کشاورزی، نسبت شاغلان بخش خدمات در طی این سال ها، افزایش می یابد. این نسبت از ۳۱/۸ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۴۷/۹۰ درصد در سال ۱۳۸۶، رسیده است. اما، نسبت شاغلان بخش صنعت، در این دوره، از نوساناتی برخوردار بوده است. در سال ۱۳۵۵، نسبت شاغلان بخش صنعت ۳۴/۲ درصد است که با کاهش در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ روبرو می شود. (به ۲۷/۶۱ در سال ۷۰ می رسد) سپس افزایش می یابد. تا اینکه به حدود ۳۱/۷۱ در سال ۱۳۸۶ می رسد. اما، این نسبت هنوز کمتر از ۳۴/۲ درصد سال ۱۳۵۵ است.



جدول ۵: سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی

سال	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰
کشاورزی	۳۴	۲۹/۰۰	۲۴/۴۸	۲۲/۰۴	۲۳/۵	۱۸/۰۰
صنعت	۲۴/۲	۲۵/۲۸	۲۷/۶۱	۳۰/۷۰	۳۱/۲	۳۱/۷۱
خدمات	۳۱/۸	۴۲/۴۵	۴۳/۶۲	۴۴/۵۰	۴۵/۳	۴۷/۹۰

منبع: مرکز آمار ایران، ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خنوار ۱۳۴۵-۱۳۸۶

در جدول ۶، درصد تغییرات سالانه‌ی میزان بهره‌وری سالانه در بخش‌های عمده‌ی اقتصادی، نمایش داده شده است. براساس این جدول، بهره‌وری شاغلان در بخش کشاورزی در فاصله سال‌های ۷۳ تا ۱۳۸۱ از ۲۰٪ تا ۲۳٪، در سال ۷۳ به ۱۱/۹۰٪ در سال ۷۵، افزایش چشمگیری می‌یابد، اما از آن سال به بعد، با نوسانات مختلفی، به بدترین شرایط ممکن در سال ۱۳۷۸، یعنی به کاهشی برابر ۱۴/۹۴٪، می‌رسد. هرچند که با تلاش‌های دولت در برنامه‌های توسعه بهره‌وری بخش کشاورزی، به رشدی حدود ۱۵/۰۷٪، در سال ۱۳۸۱ رسیده است اما بهره‌وری بخش خدمات، از ۷/۵۹٪ سال ۱۳۷۳ به ۱۲/۲۷٪ در سال ۱۳۸۱، رسیده است. شاغلان بخش خدمات، همواره دارای بهره‌وری کاهنده بوده‌اند. هرچند در سال ۱۳۷۶، تغییراتی را می‌بینیم. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود، این است که بخش خدمات با بیشترین شاغلان دارای پایین‌ترین بهره‌وری بوده است.

روند تغییرات شاغلان، به لحاظ شاغلان بخش عمومی و خصوصی جدول ۷، طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، گواهی بر اهمیت یافتن سهم بخش عمومی، در حجم اشتغال کشور می‌باشد. سهم این بخش، از ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۵، به بالاترین حد خود، یعنی ۳۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۰، افزایش می‌یابد. در طی روند افزایشی سهم بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی، از نسبت مذکور کاسته می‌شود و در سال ۱۳۸۵ به ۱۸/۳ می‌رسد. آنچنان که مشخص است، با وجود تمامی برنامه‌های خصوصی‌سازی، همچنان تا سال ۱۳۸۵، سهم بخش عمومی در اشتغال، بسیار بالاست.

جدول ۶: درصد تغییرات سالانه میزان بهره‌وری سالانه در بخش‌های عمده‌ی اقتصادی (درصد) به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۷۳	-۲/۲۰	۲/۷۵	۷/۵۹
۱۳۷۴	۶/۷۶	-۳/۳۶	-۲/۴۲
۱۳۷۵	۱۱/۹۰	۲/۸۱	۲/۱۷
۱۳۷۶	-۸/۶۸	-۳/۴۴	۹/۱۰
۱۳۷۷	۴/۶۸	-۱۳/۸۷	۳/۵۵
۱۳۷۸	-۱۴/۹۴	۵/۳۰	-۳/۲
۱۳۷۹	۱/۷۹	۳/۸۸	۲/۰۹
۱۳۸۰	-۲/۳۴	۸/۴۲	۱/۲۳
۱۳۸۱	۱۵/۰۷	۸/۰۹	-۱/۲۷

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۱-۱۳۷۳ و شاخص‌های نیروی کار در ایران و همچنین جداول مربوط به ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خنوار ۱۳۸۳-۱۳۸۰

جدول شماره ۷: توزیع نسبی شاغلان به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی در دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵

شرح	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۹	۱۳۸۵
شاغلان بخش عمومی	۱۹	۳۱/۳	۳۳/۲	۲۲/۴۵	۱۸/۳
شاغلان بخش خصوصی	۷۶/۴	۶۶/۵	۶۵/۲	۷۷/۲۰	۸۱/۰
اظهار نشده	۴/۶	۴/۲	۱/۶	-۱/۵	-۰/۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: سرشماری نفوس و مسکن و ویژگی و بیکاری خنوار ۱۳۸۵-۱۳۵۵

## روند تغییرات جمعیت فعال، اشتغال و بیکاری:

جدول شماره ۸، ترکیب سنی جمعیت کشور را، در طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵، نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول دیده می‌شود، جمعیت کشور به لحاظ ساختار سنی، همواره از ساختار جوانی، برخوردار بوده است. تقریباً در تمام طول این دوره، کمتر از ۴ درصد از جمعیت، بالای ۶۵ سال سن داشته‌اند. به همین نحو، در حدود ۴۵ درصد جمعیت، تا سال ۱۳۷۰ در گروه سنی ۰-۱۴ ساله قرار داشته‌اند. انتظار می‌رود که با کاهش نرخ رشد جمعیت، به تدریج، بر جمعیت واقع در سن فعالیت، یعنی گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله، افزوده شود. اولین نمود چنین انتظاری در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ مشاهده می‌شود. این نسبت، به ترتیب به ۵۶/۱۱ و ۶۹/۷۳ درصد در سال‌های ذکر شده، افزایش یافته است. در مقابل، نسبت جمعیت ۰-۱۴ ساله از ۴۴/۵ درصد سال ۱۳۵۵ به ۳۹/۵۰ و ۲۵/۰۸ درصد در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، کاهش یافته است. از دیدگاهی دیگر، تغییرات حجم جمعیت ۱۰ ساله به بالا در جدول ۹ تایید می‌گردد. ملاحظه می‌شود که با وجود کاهش نرخ رشد جمعیت به حدود ۱/۶٪ در سال ۸۵، حجم جمعیت بالای ۱۰ سال بیشتر از ۵۹ میلیون نفر است.

جدول ۸: ترکیب سنی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور و ترکیب آن از نظر فعالیت ۱۳۸۵-۱۳۵۵

گروه سنی	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل جمعیت	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۹	۱۰۰	۱۰۰
۰-۱۴	۴۴/۵	۴۵/۴	۴۴/۳	۳۹/۵۰	۲۵/۰۸
۱۵-۶۴	۵۲/۰	۵۱/۵	۵۲/۲	۵۶/۱۱	۶۹/۷۳
۶۵+	۲/۵	۳/۱	۲/۴	۴/۳۸	۵/۱۹

منبع: از سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵-۱۳۵۵ و طرح جاری جمعیت ۱۳۷۰

جدول ۹: جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور و ترکیب آن از نظر فعالیت ۱۳۸۵-۱۳۵۵

عنوان	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۱	۱۳۸۵
جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (به هزار نفر)	۲۲۰۰۲	۲۲۸۷۴	۲۸۶۵۵	۱۶۰۲۷	۲۲۴۲۰	۵۹۵۲۳
جمعیت فعال از نظر اقتصادی (به هزار نفر)	۹۷۹۶	۱۲۸۲۱	۱۴۷۲۷	۹۶۵۵	۱۵۵۷۶	۲۳۴۶۸
نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	۴۶/۱	۳۹	۳۸/۱	۲۵/۲	۳۷/۲	۴۰/۶
نرخ اشتغال	۳۶/۱	۲۲/۳	-	۲۴/۳	۲۷/۳	-
نرخ بیکاری	۹/۳	۱۴/۲	۱۱/۱	۹/۱	۱۲/۸	۱۱/۲

منبع: مرکز آمار ایران: نتایج آماری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی خنوار - سرشماری نفوس و مسکن و سالنامه آماری سال ۱۳۸۵

بدیهی است که روند افزایشی مذکور، همچنان در سال‌های آینده نیز، ادامه داشته باشد. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، نرخ مشارکت نیروی کار، یعنی نسبت کل جمعیت شاغل و بیکار به کل جمعیت ۱۰ ساله به بالا، طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵، به تدریج، کاهش یافته و از ۴۶/۱ درصد سال ۱۳۵۵، به ۳۵/۳ در سال ۱۳۷۵ کاهش و پس از آن، با تمام افزایشی که حاصل برنامه‌های دولت در توسعه و اشتغال بوده است، به ۴۰/۶ در سال ۱۳۸۵ رسیده است، اما این رقم، هنوز از سال ۱۳۵۵، کمتر است. نرخ بیکاری نیز، از ۹/۳ درصد سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۲ در سال ۱۳۶۵ رسیده و پس از آن، با تمام کاهش که داشته، در سال ۱۳۸۵ به ۱۱/۲ درصد، رسیده است.

نکته قابل توجه در این میان، کاهش نرخ مشارکت است. چرا که، با توجه به نرخ واقعی بیکاری (یعنی نرخ بیکاری آشکار، به اضافه بیکاری پنهان)، باید در کنار نرخ مشارکت، به تغییرات شاخص متوسط بهره‌وری نیز توجه نمود. لذا، با توجه به کاهش این شاخص (جدول ۴-۷) در سال‌های مذکور، نرخ بیکاری واقعی، بیش از نرخ‌های اعلام شده خواهد بود.

## بررسی وضعیت شاغلان و بیکاران دارای آموزش عالی:

جدول شماره ۱۰، توزیع نسبی شاغلان زن و مرد را در سال ۱۳۴۵-۱۳۸۳، نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۴۵، ۹۳/۶ درصد از شاغلان کل کشور را زنان و، نسبت شاغلان زن به کل شاغلان، برابر ۱/۰۳ درصد و برای مردان ۰/۹۹ درصد، است. با کاهش اشتغال در کل کشور، در سال ۱۳۸۳، نسبت اشتغال زنان به کل شاغلان ۰/۹۳ و مردان ۱/۰۱ درصد است. این امر، حاکی از این نکته است که باید، بیکاری مردان، نسبت به زنان، در سال‌های مذکور بیشتر بوده باشد.

جدول ۱۰: توزیع نسبی شاغلان زن و مرد سال ۱۳۸۳ - ۱۳۴۵

شاغلان	کل	مرد	زن
۱۳۴۵	۹۰/۲	۸۹/۷	۹۲/۶
۱۳۵۵	۸۰/۹	۸۱/۱	۷۹/۵
۱۳۶۵	۶۷/۲	۶۸/۴	۵۵/۱
۱۳۷۵	۶۹/۴	۷۱/۰	۵۸/۱
۱۳۷۶	۷۳/۲	۷۴/۲	۶۷/۱
۱۳۸۳	۷۷/۱	۷۷/۹	۷۱/۸

منبع: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۶ - ۱۳۴۵ آمارگیری از وضعیت اشتغال و بیکاری خنوار ۱۳۸۳

در جدول ۱۱، نتایج روشنتری را می‌توان کسب نمود. روند کاهشی اشتغال، فارغ التحصیلان دانشگاهی، از ۳/۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۱ می‌رسد. در طی این سال‌ها، بیکاری زنان همواره بیشتر از بیکاری مردان بوده است، تا جایی که در مقایسه با ۸/۷ درصد بیکاری مردان در سال ۱۳۸۱، بیکاری زنان در این سال، به رقم ۲۵/۷ درصد می‌رسد. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، پس از سال ۱۳۸۱، همچنان نرخ افزایشی خود را ادامه می‌دهد، تا جایی که حتی، به رقم ۲۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ می‌رسد. (جدول ۱۲)

جدول ۱۱: نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی ۱۳۸۱ - ۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۸۱
نرخ بیکاری	۳/۶	۲/۷	۴/۸	۵/۰	۱۳/۱
مرد	۳/۴	۲/۶	۴/۱	۳/۸	۸/۷
زن	۵/۰	۳/۲	۸/۰	۱۰/۸	۲۵/۷

منبع: مرکز آمار ایران، آمارگیری از وضعیت اشتغال و بیکاری خنوار ۱۳۸۳ سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۲ - ۱۳۵۵

جدول ۱۲: توزیع نسبی جمعیت شاغل و بیکار جویای کار ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع سواد و سطح تحصیلات

شرح	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
شاغل	۱۲/۳	۱۲/۱	۱۲/۷	۱۲/۹
بیکار	۱۴/۱	۲۱/۸	۱۹/۶	۲۰/۷

منبع: مرکز آمار ایران، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری - سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵ - ۱۳۸۲

### رابطه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار:

به منظور یافتن رابطه میان تخصص‌های مورد نیاز در بازار کار و تخصص فارغ التحصیلان، باید به دو نکته اساسی، دقت کرد. اولین نکته این است که مقایسه ای میان تخصص‌های دانش‌آموختگان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (جدول شماره ۱۳) و پاسخگویی بازار کار کشور، در جهت اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها صورت گیرد. نکته دیگر اینکه، محاسبه ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، در رشته‌هایی که بیشترین میزان بیکاری را در بازار کار کشور دارند، باید انجام پذیرد. (جدول ۱۴)

اما، برای برآورد دقیق‌تر، توجه به میزان فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و نسبت سنی و جنسی آنها نیز، حائز اهمیت است. اینکه بیشترین دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، در چه ترکیب سنی و جنسی قرار خواهند گرفت. (جدول ۱۵)

آنچنان که از جدول شماره ۱۵، مشخص است، تعداد کل فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد و موسسات و دانشگاه‌های آموزش عالی، از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ - ۸۵، برابر با ۲۰۳۶۷۷۸ نفر بوده است. از این تعداد، ۶۷۶۰۹۱ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. یعنی، در حدود ۳۳/۱۹ درصد از کل فارغ التحصیلان کشور، در دوره زمانی ذکر شده را، زنان تشکیل داده‌اند. از آنجا که نرخ بیکاری زنان (۲۵/۷) در مقابل ۸/۷ درصد مردان<sup>(۱)</sup> بیشتر از مردان است، پیش‌بینی می‌شود که بیشترین بیکاران فارغ التحصیل را در سال‌های آتی، زنان تشکیل دهند.

پس، یکی از دغدغه‌های اصلی بیکاری فارغ التحصیلان در کشور (با توجه به افزایش تقاضای زنان در سال‌های آینده) را باید در بیکاری زنان تحصیل کرده دید.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، بیکاری فارغ التحصیلان، بر اساس رشته‌های تحصیلی است. اینکه چه تخصص‌های دانشگاهی در بازار کار، کمترین تقاضا را دارند.

طبق جدول ۱۳-۱۴، بیشترین میزان بیکاری فارغ التحصیلان در سال ۱۳۷۶، در رشته‌های مهندسی، علوم انسانی و بازرگانی و مدیریت تجاری بوده است. میزان بیکاری در این رشته‌ها، به ترتیب ۱۸/۷، ۱۶/۶ و ۱۵/۰ درصد، محاسبه شده است.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، در سال‌های بعد، روند مذکور تکرار شده است. در سال ۱۳۸۳، بازرگانی و مدیریت تجاری با ۱۸/۷ درصد بیکاری، بالاترین نرخ بیکاری را در میان فارغ التحصیلان داراست و پس از آن، رشته مهندسی و علوم انسانی، با ۱۳/۶ و ۱۲/۶ درصد بیکاری، همچنان بالاترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند.

نکته قابل ملاحظه این است که در سال‌های مذکور و پس از آن، بیشترین تعداد پذیرفته شدگان دانشگاهی در آموزش عالی، مربوط به همان رشته‌هایی بوده است که بیشترین میزان بیکاری را دارا هستند.

به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۳، بیشترین پذیرش (بجز علوم اجتماعی و رفتاری) مربوط به گروه‌های مهندسی، امور اداری و بازرگانی و مدیریت و گروه علوم انسانی و مذهب بوده است. تعداد پذیرفته شدگان به ترتیب، برابر: ۵۱۸۲۸، ۳۵۱۰۲ و ۳۴۷۵۰ هزار است.

این امر، نشان دهنده عدم تناسب، بین ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و نیازهای تخصصی بازار کار کشور است.



جدول ۱۳: بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی براساس سال و رشته تحصیلی

شرح	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
عمومی	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۲	۰/۰	۰/۰
تربیت معلم و علوم تربیتی	۲/۲	۲/۲	۲/۰	۴/۱	۳/۶	۳/۲	۳/۶۷	۴/۴۹
هنرهای زیبا	۰/۵	۰/۶	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۹	۱/۲۲	۰/۸
علوم انسانی	۱۷/۶	۱۶/۶	۱۴	۱۴/۵	۱۷/۲	۱۴/۳	۱۴/۴۴	۱۲/۶
مذهب و الهیات	۳/۱	۲/۹	۴/۴	۳/۹	۳/۴	۳/۸	۲/۶	۳/۶۷
علوم اجتماعی و رفتاری	۸/۶	۹/۹	۶/۲	۹/۱	۶/۶	۸/۰	۷/۸	۷/۳۴
بازرگانی و مدیریت تجاری	۱۰/۰	۱۵/۰	۱۵	۱۵/۵	۱۷/۱	۱۶/۰	۱۴/۶۲	۱۸/۲
حقوق و علوم قضایی	۲/۷	۲/۴	۴/۳	۳/۷	۳/۹	۳/۲	۴/۵	۳/۶
علوم طبیعی	۸/۹	۷/۰	۵/۳	۵/۹	۶/۱	۷/۶	۸/۲۱	۶/۵
علوم ریاضی و کامپیوتر	۳/۴	۳/۱	۳/۴	۵/۴	۴/۱	۶/۴	۷/۱۴	۸/۹۷
بهداشت و علوم پزشکی	۱۱/۵	۱۰/۶	۱۱/۳	۹/۲	۱۰/۴	۸/۲	۷/۱	۷/۳
حرفه و صنعت و فن	۰/۳	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۱/۱	۱/۴	۱/۸	۱/۲۲
مهندسی	۱۸/۷	۱۶/۱	۱۷	۱۵/۵	۱۵/۵	۱۵/۳	۱۵/۱۱	۱۲/۶
معماری و شهرسازی	۰/۲	۱/۱	۰/۹	۰/۹	۰/۴	۰/۲	۰/۵۷	۰/۴
کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری	۷/۱۰	۹/۲	۱۱/۴	۹/۲	۸/۴	۸/۵	۸/۴	۴/۴۹
تدبیر منزل و خانه داری	۰/۰	۰/۲	۰/۰	۰/۴	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۰/۰
حمل و نقل و ارتباطات	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
کتابداری و ارتباط جمعی	۰/۶	۰/۴	۱/۰	۰/۲	۰/۵	۰/۶	۰/۲	۰/۸۱

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۷۶، اطلاعات مربوط به آموزش

جدول ۱۴: تعداد پذیرفته شدگان به تفکیک گروه‌های عمده رشته‌های تحصیلی (تقسیم بندی یونسکو) ۱۳۷۸ - ۱۳۸۴

شرح	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
جمع	۸۹۲۷	۲۴۲۳	۲۰۴۹	۱۲۵۲۰	تعداد	تعداد	تعداد
علوم تربیتی و تربیت معلم	۸۹۲۷	۲۴۲۳	۲۰۴۹	۱۲۵۲۰	تعداد	تعداد	تعداد
علوم انسانی و مذهب و الهیات	۱۷۶۶۹	۲۷۶۹۲	۲۴۵۷۰	۳۱۳۳۸	تعداد	تعداد	تعداد
هنرهای زیبا	۵۶۷۴	۹۲۵۷	۲۲۸۰	۱۱۷۶۲	تعداد	تعداد	تعداد
حقوق	۱۵۵۹	۴۹۴۵	۷۱۲۶	۱۰۰۶۶	تعداد	تعداد	تعداد
علوم اجتماعی و رفتاری	۱۴۱۵۹	۳۰۷۴۸	۷۷۲۲۹	۲۸۲۸۶	تعداد	تعداد	تعداد
امور اداری و بازرگانی و مدیریت	۱۹۹۴۱	۳۵۳۱۹	۳۵۱۰۲	۴۹۱۷۷	تعداد	تعداد	تعداد
روابط و رسانه‌های عمومی	۱۱۷۴	۲۴۳۳	۳۵۹۰	۳۹۴۲	تعداد	تعداد	تعداد
اقتصاد خانواده (خانه داری)	۹۹	-	-	-	تعداد	تعداد	تعداد
علوم فیزیکی و طبیعی	۱۰۵۵۹	۱۴۴۴۵	۱۵۲۴۹	۱۸۱۱۹	تعداد	تعداد	تعداد
ریاضی و علوم کامپیوتر	۱۱۴۶۱	۲۱۷۳۸	۲۲۱۹۳	۱۴۶۲۳۴	تعداد	تعداد	تعداد
علوم پزشکی و بهداشت	۲۳۷۵۹	۳۵۷۹۰	۲۶۳۸۳	۲۷۲۱۱	تعداد	تعداد	تعداد
مهندسی	۲۴۲۸۶	۳۵۶۶۹	۵۱۸۲۸	۷۳۳۱۶	تعداد	تعداد	تعداد
معماری و شهرسازی	۳۰۶۲	۱۵۰۷۵	۱۲۶۴۰	۲۱۵۳۲	تعداد	تعداد	تعداد
امور حرفه ای و صنعتی و تجارت	۳۸	-	-	۴۱۴۱	تعداد	تعداد	تعداد
کشاورزی، شیلات و جنگلداری	۱۰۳۹۴	۱۵۶۴۹	۱۵۷۳۵	۱۸۴۱۵	تعداد	تعداد	تعداد
سایر	۱۴۳۲	-	-	-	تعداد	تعداد	تعداد

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸ - ۱۳۸۴





سال	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۷۷-۷۶	۱۷۰۶۶۷	۱۰۳۹۷۷	۶۶۶۹۰
۱۳۷۸-۷۷	۲۰۰۲۱۵	۱۱۴۵۸۶	۸۵۶۲۹
۱۳۷۹-۷۸	۲۶۲۹۵۴	۱۴۹۷۵۹	۱۱۳۱۹۵
۱۳۸۰-۷۹	۳۲۶۴۷۳	۱۸۲۲۱۴	۱۴۴۲۵۹
۱۳۸۱-۸۰	۳۳۰۱۹۵	۱۲۶۲۶۱	۱۰۳۹۲۴
۱۳۸۲-۸۱	۱۷۸۴۱۷	۱۴۸۷۹۲	۲۹۶۲۵
۱۳۸۳-۸۲	۲۶۰۸۵۷	۱۸۳۳۰۸	۱۷۷۵۴۹
۱۳۸۴-۸۳	۳۵۴۰۷۱	۱۷۷۰۱۱	۱۷۷۰۶۰
۱۳۸۵-۸۴	۳۱۲۷۸۶	۱۷۴۷۷۹	۱۳۹۰۰۷
جمع کل	۲۰۳۶۷۷۸	۱۲۶۰۶۸۷	۶۷۶۰۹۱

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶-۱۳۸۶  
موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی سال ۱۳۸۳-۱۳۸۵

### خلاصه و نتیجه:

نیاز سنجی بازار کار و یافتن رابطه آن با اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه، نیازمند داشتن بانک اطلاعاتی دقیق از شرایط بازار کار، تخصص های مورد نیاز و همچنین داشتن اطلاعات دقیق از پذیرفته شدگان دانشگاه ها می باشد. متأسفانه در کشور ما، چنین بانک اطلاعاتی وجود ندارد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که عدم تناسب میان پذیرش دانشجو در دانشگاه ها و نیازهای آتی بازار کار وجود دارد. بیشترین پذیرش در رشته هایی صورت گرفته است که بیشترین میزان بیکاری را در بازار کار کشور دارا هستند. این امر نشانه سهل انگاری دانشگاه های کشور، در برنامه ریزی های علمی برای پذیرش دانشجو در دانشگاه ها است.

همان طور که داده های تحقیق نشان داده است، ساختار و کارکرد نظام مدیریتی کشور ضعیف بوده است. مطابق با چارچوب نظری تحقیق، ملاک سنجش عنصر مدیریتی کشور، کارایی دولت در عمل می باشد. مدیریت در برنامه ریزی و مدیریت منابع مادی کشور (استفاده صحیح از منابع گاز، نفت و...) ضعف داشته است. همچنین در برنامه ریزی بر روی مدیریت منابع انسانی جامعه (استفاده از پتانسیل نهفته در منابع انسانی یا ثروت انسانی جامعه) ضعف داشته است.

در مطالعه ساختار جمعیتی کشور مشاهده می شود که کشور ما از گذشته تا به امروز، با پدیده افزایش جمعیت و همچنین جوانی جمعیت روبرو بوده است. جوانی جمعیت، تقاضای آموزش عالی و همچنین تقاضای کار و اشتغال را در کشور بالا برده است. آنچنان که عنصر مدیریتی کشور، قادر به برنامه ریزی بهینه در جهت رفع نیازهای این جمعیت عظیم، نبوده است. نسبت جنسی جمعیت، نشان از افزایش تعداد دانشجویان زن در دانشگاه ها و کثرت زنان در بازار کار دارد که اولین ناهماهنگی را امروزه از خود بروز داده است. داده های تحقیق (دستاوردهای اسنادی و پیمایشی تحقیق)، نشان می دهد که نرخ بیکاری زنان بیشتر از مردان است و با توجه به عدم برنامه ریزی های صحیح در خصوص اشتغال، بیشترین مشکل کشور در سال های آتی با اشتغال زنان خواهد بود.

از طرف دیگر، اقتصاد و شرایط تولیدی کشور و به طور کلی شرایط اقتصادی- اجتماعی توسعه کشور، بیشترین تأثیر را بر میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی دارا بوده است (نتایج مطالعات اسنادی تحقیق و همچنین داده های به دست آمده از روش پیمایشی).

ساختار و کارکرد اقتصاد کشور، طبق چارچوب نظری تحقیق، با دو عنصر مشخص شده است: عنصر اول، کیفیت فناوری است و عنصر دیگری پویایی و بازدهی تولید است.

عنصر پویایی و بازدهی تولید، خود شامل سه مولفه است که مدارهای توسعه نیافتگی اقتصاد ایران را نمودار می سازد. اولین مولفه ساختار تولید، مولفه دوم کارکرد تولید و مولفه سوم رشد نقدینگی و تورم در کشور می باشد. اما سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که: شرایط اقتصادی- اجتماعی تولید در کشور، چه تأثیری بر میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه ها، داشته است؟



طبق نتایج به دست آمده از یافته‌های اسنادی تحقیق، اولین مشکل کشور را می‌توان، در عدم تحرک و پویایی در تولید کل و سرانه دید. مطالعه ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی کشور از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۲، نشان می‌دهد که ارزش افزوده کل فعالیت‌های اقتصادی کشور از ۹/۲۷ درصد در سال ۱۳۴۵، با افزایشی معادل ۱۱/۹۲ درصد، به میزان ۲۱/۱۹ در سال ۱۳۵۰ می‌رسد. اما، پس از آن، هر ساله با کاهش ارزش افزوده مواجه می‌شویم تا جایی که ملاحظه می‌کنیم، این رقم، در سال ۱۳۶۵، به رقمی معادل ۹/۱۴ درصد می‌رسد. با وجود تمام طرح‌های توسعه بعد از انقلاب، در سال ۱۳۸۲ کل ارزش افزوده کشور معادل ۷/۷۳ درصد است. تحولات صنعت در کشور در سال ۱۳۵۵ به بالاترین مقدار خود، ۵۶/۳۶ درصد، رسیده است که پس از آن، در سال ۱۳۸۲، کل ارزش افزوده کشور در بخش صنعت، از حدود ۱۵/۲۱ درصد، تجاوز نمی‌کند.

عوامل ذکر شده، باعث کاهش نسبی سرمایه کشور شده است. این کاهش، اثرات خود را در درجه اول، بر روی بافت فنی تولید (عقب‌ماندگی بافت فنی تولید و درونزا نشدن فناوری در کشور) و در درجه دوم، بر روی فعالیت اقتصادی افراد جامعه و افزایش نرخ بیکاری در جامعه، گذاشته است.

از نتایج دیگر تحقیق، اثبات این فرضیه است که ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی اجتماعی کشور بر میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و همچنین عدم پذیرش شیوه‌های نوین آموزشی، نقش مؤثری را ایفا کرده است. سؤال بعدی که باید مطرح کرد این است که: چه و جوهی از توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشور، می‌تواند تأثیر تعیین کننده‌ای بر کاهش میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی بر جای گذارد؟

از آنجا که ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور و ساختار روابط و مناسبات اجتماعی، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، می‌توان ادعا کرد که عوامل زیر، نقش تعیین کننده‌ای در کاهش میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی دارا خواهند بود:

احترام به آزادی انسانی در جامعه (آزادی عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی تجارت و حق مالکیت شخصی و ...)، کاهش فاصله طبقاتی بین اقشار مختلف مردم، عدم محدودیت در انتخاب شغل و اشتغال‌زایی، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت در جامعه، ایجاد فرصت‌های مطلوب برای اشتغال زنان، رفاه اقتصادی و اجتماعی، اهمیت دادن به منابع انسانی و برنامه ریزی صحیح علمی بروی آن، شایسته سالاری در جامعه، مدیریت علمی در جامعه، ایجاد روحیه و فرهنگ علم پرور، دست یابی به تکنولوژی پیشرفته و درونی سازی آن، امنیت اجتماعی و شغلی، گسترش مشارکت مردان و زنان در زندگی سیاسی و اقتصادی کشور، سازگاری میان توسعه و رفاه نیازهای انسانی و ...

راهکارهای راهبردی و کاربردی: راهکار راهبردی که می‌توان ارائه کرد این است که:

- ۱- با شناخت روابط و ساختار عناصر نظام اجتماعی، در جهت توسعه پایدار، نیازمند مدیریت شایسته و علمی هستیم.
- ۲- در مسیر توسعه پایدار، با یکپارچه کردن اراضی و کشت مکانیزه و علمی و با بهره‌گیری از متخصصین کارآموده در کشاورزی، تولیدات کشاورزی را افزایش بخشیم.

۳- جذب سرمایه در کشور و همچنین درونی سازی فناوری پیشرفته در کشور

۴- ایجاد فرهنگ و روحیه شایسته سالاری در جامعه  
راهکارهای کاربردی: این راهکارها را در سه سطح زیر مطرح می‌سازیم.

الف) اقدامات دولت در خصوص اشتغال فارغ التحصیلان  
مدیریت علمی منابع انسانی (مدیریت علمی پژوهش‌گرا، انطباق آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای علمی بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، تجربه‌گرایی در سطح کلان و آزمون نظریات در عمل، نیازسنجی علمی میان تخصص‌های مورد نیاز جامعه و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها، بازنشسته و یا بازخرید کردن افراد بدون صلاحیت علمی در تمامی موسسات و ارگانها، درونزا کردن فناوری پیشرفته در کشور، گسترش مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، حمایت از بنگاه‌های زودبازده، ضابطه‌گرایی به جای رابطه‌گرایی و ...

ب) اقدامات در جهت کاربردی کردن آموزش‌های دانشگاهی در دانشگاه‌ها

ایجاد نگرش جستجوگری و پژوهشگری در دروس، دوری از برخورد ایدئولوژیک و گزینشی در تدوین دروس، پذیرش شیوه‌های نوین آموزش (استفاده از فناوری‌های رایانه ای و ...)، کیفیت‌گرایی در آموزش عالی، تکیه بر عملگرایی در محتوای دروس و نظام آموزشی، جذب دانشجو بر اساس نیازهای واقعی جامعه، منطبق کردن محتوای دروس با نیازهای اجتماعی و شغلی، پیوند بین تولید علم در دانشگاه و نیازهای بخش (صنعت، کشاورزی و خدمات)، مدیریت مشارکتی در کلاس درس و دانشگاه، آینده نگری علمی مسئولان دانشگاه در ارائه رشته‌های دانشگاهی، فراهم‌سازی تسهیلات مورد نیاز جهت ترغیب دانشجویان به ارائه پژوهش‌های علمی - کاربردی، به وجود آوردن سازمان‌های واسط جهت پیوند دانشگاه و بازار کار، حذف نمره‌گرایی و جایگزینی پژوهش‌گرایی در دانشگاه، منطبق کردن آموزش‌ها با تجربیات واقعی و عینی زندگی، امنیت شغلی اساتید و دانشجویان در دانشگاه، آزادی فکر و اندیشه در دانشگاه و جامعه و ...

ج) طرح‌ها و ایده‌ها در خصوص اشتغال‌زایی  
مدیریت علمی منابع انسانی، عملگرایی در آموزش و پرورش، حذف رابطه‌گرایی در اعطای تسهیلات پژوهشی و ...

سرمایه‌گذاری علمی - اقتصادی در صنایع مورد نیاز، تدوین بانک اطلاعاتی از نیروی انسانی و نیازهای بازارکار، تشکیل گروه‌های مشارکتی و علمی در دانشگاه‌ها به منظور اشتغال‌زایی، اجرای شیوه‌های نوین آموزش در سطح کشور، ارزیابی علمی - تجربی بازده طرح‌های دولت قبل از اجرای آنها، حمایت و اعطای تسهیلات در جهت کارآفرینی، شایسته‌سالاری، واگذاری شرکت‌های دولتی و صنعتی به دانشگاه‌ها و تبدیل آنها به دانشگاه‌های تکنولوژی و پلی تکنیک، وضع قوانین جامعه بر اساس نیازهای اجتماعی، افزایش تبلیغات در جهت ارتقاء فرهنگ علمی در جامعه، حذف کنکور دانشگاه پس از اشتغال‌زایی در جامعه، شناخت عناصر بنیادین نظام اجتماعی جامعه ایران و برنامه‌ریزی علمی بر اساس نیازهای آن.

## منابع

- ۱- اذانی، مهری، توسعه انسانی، فقر و جنسیت، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۷۰-۱۶۹، ص ۱۹۲
- ۲- آرون، ریمون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۳- اسدی، علی، توسعه بر جاده تکنولوژی می تازد، تدبیر، ۱۳۶۹.
- ۴- امینی، علیرضا، تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار و موانع ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران، رساله دکتری اقتصاد دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۸۰
- ۵- باقریان، محمد، چالش‌های اساسی توسعه ملی و روندهای جهان، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۱.
- ۶- بهروزی، محمد، بررسی تواناییها و قابلیت های دانش آموختگان دانشگاه‌ها در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائه یک چارچوب ادراکی مناسب، رساله دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.
- ۷- بهروزی، محمد، نظارت و ارزیابی آموزش عالی ایران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲.
- ۸- بیابانی، جهانگیر، بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و بیکاری ساختاری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۰.
- ۹- بیروف آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، کیهان: ۱۳۵۷.
- ۱۰- تصاعدیان، سودابه، برآورد تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران تا پایان برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد واحد تهران مرکز، علوم اقتصادی، ۱۳۷۸-۷۹
- ۱۱- تنهایی، حسین ابوالحسن، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه شناسی، مشهد: مرتدین، ۱۳۷۹.
- ۱۲- تکمیل همایون، ناصر، آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ص ۵۳
- ۱۳- توسلی، غلامعباس، جامعه شناسی کار و شغل، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۴- توداری، مایکل، برنامه ریزی توسعه: مدل‌ها و روش‌ها، ترجمه: عباس عرب مازار، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۳.
- ۱۵- جونل، شارون، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشرنی، ۱۳۷۶.
- ۱۶- حکیمت، علیرضا، آموزش و پرورش در ایران باستان: موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۰.
- ۱۷- خدادادی، محمد اسماعیل، مبانی جامعه شناسی، قم: یاقوت، ۱۳۸۴.
- ۱۸- خورشیدی، عباس، ارائه چارچوب نظری در خصوص شاخص‌های عملکردی در ارتباط با ارتقای کیفی آموزش عالی ایران، رساله دکتری مدیریت آموزشی: ۱۳۷۶.
- ۱۹- درانی، کمال: تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام: سمت، ۱۳۷۶.
- ۲۰- دواس، دی، ای. پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، چاپ اول، تهران، نشرنی ۱۳۷۶
- ۲۱- ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند ۱۳۸۶
- ۲۲- دهمرده، نظر، بیکاری: دیدگاه‌ها، عوامل نهادی و حقوقی، شاخص‌ها و داده‌های فصلی، رشت: پری روز ۱۳۸۵.
- ۲۳- دیاکونوف، ام، تاریخ ماد: ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ۲۴- دینی ترکمانی، علمی، از نیازهای اساسی تا توسعه انسانی، گفت گوی علی دینی ترکمانی با پاول استریتن ماهنامه آفتاب، ش ۱۵
- ۲۵- زارع، امین، بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه پیام نور مرکز آبادیه سال‌های تحصیلی ۷۱-۸۰، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۸۲.
- ۲۶- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.
- ۲۷- رایبسنون، جون، مقدمه ای بر نظریه اشتغال، ترجمه احمد شهشهانی، تهران: موسسه انتشارات فرانکین، ۱۳۵۳.
- ۲۸- رجائی، فرهنگ، ترجمه آذرنگ، عبدالحسین، پدیده جهانی شدن، تهران: نشر آگاه ۱۳۷۹.
- ۲۹- رجب زاده، احمد، جامعه شناسی توسعه، بیج: مرکز پژوهش‌های بنیادی ۱۳۷۶.
- ۳۰- رضاخانی، الهام. سرکار آرائی، محمدرضا، مقایسه سیاست‌های اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ژاپن و ایران در گفت و گو با دکتر محمدرضا سرکار آرائی، نشریه: همشهری، ۸۲/۷/۲۶

- ❖ ۳۱- رضائی، محمد، بررسی نگرش اجتماعی با فرهنگ سیاسی دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه علمه طباطبائیف دانشکده علوم اجتماعی ۱۳۷۶.
- ❖ ۳۲- روکس برو، یان، جامعه شناسی توسعه (بررسی نظریه های توسعه نیافتگی)، ترجمه: مصطفی ازکیا، تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۰.
- ❖ ۳۳- ریتزر، جورج، نظریه های جامعه شناسی در دوزان معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی ۱۳۷۴.
- ❖ ۳۴- ریفکین، جرمی، پایان کار (زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسا بازار)، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر دانش ایران، ۱۳۷۹.
- ❖ ۳۵- ساخارو پلوس، وودهال ۱۳۷۰ آموزش برای توسعه تحلیلی از گزینه های سرمایه گذاری، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، سازمان برنامه و بودجه.
- ❖ ۳۶- سادیتپو، ماندل، تأمین های توسعه منابع انسانی: مجموعه درس هایی از کشورهای پیشرفته آسیایی، ترجمه محمد رضا آهنچیان، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی ش ۱۶۰-۱۵۹.
- ❖ ۳۷- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۸۵.
- ❖ ۳۸- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۸۷.
- ❖ ۳۹- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد سوم، دیدار، بی ج، ۱۳۸۲.
- ❖ ۴۰- سامتی، مرتضی، اشتغال، بازار کار، سیاست های اقتصادی، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ❖ ۴۱- سالنامه آماری کشور ۱۳۸۴، مرکز آمار ایران.
- ❖ ۴۲- سوری، علی و مهرگان، نادر، نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی، فصلنامه پژوهشنامه بزرگانی، شماره ۴۲.
- ❖ ۴۳- سیف اللهی، سیف الله، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقاله ها و نظرها، پژوهشگاه جامعه پژوهشی و برنامه ریزی المیزان - تهران: جامعه پژوهان سینا، ۱۳۸۱.
- ❖ ۴۴- سیف اللهی، سیف الله، مبانی جامعه شناسی (اصول، مبانی و مسائل اجتماعی) مشهد: مرنديز، ۱۳۷۳.
- ❖ ۴۵- سیف اللهی، سیف الله، اقتصاد سیاسی ایران، مجموعه مقاله ها و نظریه ها، بی ج: پژوهشگاه جامعه پژوهشی و برنامه ریزی المیزان: ۱۳۷۴.
- ❖ ۴۶- شارع پور، محمود، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- ❖ ۴۷- شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف علوم اجتماعی، کتاب اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
- ❖ ۴۸- شهبازی، مظفر الدین، بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان علمی به مهاجرت در عصر اطلاعات و جهانی شدن و پیامدهای آن در ایران، دانشگاه علوم و تحقیقات، رساله دکتری ۱۳۸۶-۱۳۸۷.
- ❖ ۴۹- صالحی، فروزنده، مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مرتبط با آن پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۷۱.
- ❖ ۵۰- صبوری علی اکبر بررسی کارنامه پژوهشی ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی رهیافت زمستان ۱۳۸۱ شماره ۲۸ صفحه ۹-۸۷.
- ❖ ۵۱- صحرایی، فریبا، نظامی کمیت گرا: بررسی نظام آموزش عالی ایران در گفت و گو با کارشناسان صاحب نظر و دانشگاهیان، نشریه: همشهری، ۸۲/۷/۵.
- ❖ ۵۲- صدیق، عیسی: تاریخ فرهنگ ایران: زیبا، چاپ هفتم، ۱۳۵۴.
- ❖ ۵۳- ضرغامی، مصطفی، درسهایی از تجربه برخی کشورها در مورد اشتغال فارغ التحصیلان، نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی: زمستان ۷۹.
- ❖ ۵۴- ضرغامی، مصطفی، مشکلات اشتغال و بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی، تنکها، زمیته ها، راه حل ها، نشریه: پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۲.
- ❖ ۵۵- ضمیری، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. راهگشا ۱۳۷۳. شهریور ماه ۱۳۸۷.
- ❖ ۵۶- طایبی، حسن: تراز نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تحلیلی بر بازار کار کشور: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ❖ ۵۷- طایفی، علی، فرار مغزها یا شکار مغزها- [www.sociologyofiran.com](http://www.sociologyofiran.com): شهریور ماه ۱۳۸۷.

- ❖ ۵۸- عباسی، صفورا ۱۳۸۲ بررسی وضعیت نیروی کار فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.
- ❖ ۵۹- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
- ❖ ۶۰- علیا، مهدی، به سوی الگوی توسعه پایدار نقش آموزش در توسعه، نشر به: صدای عدالت، ۱۶.
- ❖ ۶۱- فرستخواه بازرگان، عباس و کارولوکس، بررسی رابطه نظام های تضمین کیفیت آموزش عالی با زمینه های فرهنگی و اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ۱۳۸۶.
- ❖ ۶۲- فتوره چی، مهدی و فردوسی، سعید، توسعه پایدار و اهداف توسعه هزاره، بی ج: انتشارات کمیته ملی توسعه پایدار ۱۳۸۴
- ❖ ۶۳- فرشاد گهر، ناصر و محمد حسن شهیدی، روش تحقیق و مآخذ شناسی در علوم اجتماعی، تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.
- ❖ ۶۴- فرهنگ، ترجمه آذرنگ، عبدالحسین، پدیده جهانی شدن، تهران: نشر آگاه ۱۳۷۹.
- ❖ ۶۵- فیروز، امیر، جامعه شناسی تغییر و تحولات اشتغال در ایران (۱۳۴۵-۱۳۷۵) پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۷۹، ۸۰.
- ❖ ۶۶- کاربوی، م، آموزش و اشتغال، تحلیل انتقادی، ترجمه: مهر علی زاده، تهران: خورستان ۱۳۷۲.
- ❖ ۶۷- کشاورزی، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام. روزبهان، ۱۳۸۲.
- ❖ ۶۸- کمالی، حسین، جامعه، کار و توسعه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۳.
- ❖ ۶۹- کولمن، دیوید و فرد نیکلسون، اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: وثوقی ۱۳۷۸.
- ❖ ۷۰- کیت گریفین، تری مککنلی، تحقق استراتژی توسعه انسانی مترجم: غلامرضا خواجه پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۵.
- ❖ ۷۱- کینز، جان مینارد، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد، ۱۳۴۸.
- ❖ ۷۲- کیویستو، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.
- ❖ ۷۳- گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ❖ ۷۴- کلابی، سیاوش، اصول و مبانی جامعه شناسی، تهران: میترا، ۱۳۷۳.
- ❖ ۷۵- کلاس، ویلیام، مدارس بدون شکست، مترجم: ساده حمزه با همکاری حمزه تبریزی، تهران: رشد ۱۳۸۴.
- ❖ ۷۶- کیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی، ۱۳۷۶.
- ❖ ۷۷- لستر، تارو، برندگان و بازندگان جهانی شدن، مترجم مسعود کرباسچیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ❖ ۷۸- لفت ویچ، آدریان، دموکراسی و توسعه، احد علیقلیان، افشین خاکباز، انتشارات طرح نو، چاپ دوم ۱۳۸۲.
- ❖ ۷۹- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ج ۱، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران/ انتشارات سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۴.
- ❖ ۸۰- مباحثی از توسعه در ایران، نشر هشت بهشت. سال ۱۳۷۸.
- ❖ ۸۱- مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه: معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، تیرماه ۱۳۷۶.
- ❖ ۸۲- محسنی، رضا علی، مطالعه و بررسی جامعه شناسی جرایم گروه های قومی در ایران (مطالعه موردی استان گلستان)، پایان نامه دکتری دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۷۹.
- ❖ ۸۳- محمد موسوی مشهدی نقش کارآفرینی در توسعه صنعتی و اقتصادی رهیافت بهار ۱۳۸۲ شماره ۲۹ صفحه ۴۱-۲۵.
- ❖ ۸۴- میرسنجایی، علی، روشنفکران ایران: روایت های یاس و امید، ترجمه: عباس مخبر، چاپ سوم، تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۶.
- ❖ ۸۵- ناهید شیخان، سید نصر اله مرعشی و حجت اله رضا زاده بررسی روند برنامه تحقیقات صنعتی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها رهیافت رنستان ۱۳۸۱ شماره ۲۸ صفحه ۱۳۰.

- ❖ 86- dahrendorf, ralf. (1988).the modern social conflict: an essay on thi policies offliberty.
- ❖ 87- London: weidem feld dmd Nicolson.
- ❖ 88- giddens, a.(1980). Sociology.london:macmillan.
- ❖ 89- merton,Robert k. 1986. Manifest and latent functions. In social